

سعیده دشتبانی متولد سال ۱۳۶۳ در شهر کرمانشاه است. او یک خواهر و یک برادر کوچک‌تر از خودش دارد. خواهر او فوق‌لیسانس اقتصاد از دانشگاه علامه و برادرش هم دانشجوی است. سعیده به دلیل فلج مغزی در بدو تولد از ناحیه صورت با حرکات اضافی روبه‌رو بود ولی این نقص ظاهری مانعی برای رشد و شکوفایی او نشد و توانست با تلاش بیشتر به استقلال فردی برسد. او مدرک کارشناسی نرم‌افزار کامپیوتر را دارد و دو سال است که در شرکت چارگون به‌عنوان برنامه‌نویس کامپیوتر مشغول به کار می‌باشد. سعیده با رویکرد اشتغال حمایت‌شده از طرف مرکز رعد به این شرکت معرفی شد و در محیط کار مورد حمایت کاریار خود قرار دارد.



سعیده دشتبانی، کارمند شرکت چارگون

با حمایت‌های کاریارم توانستم به کارم ادامه دهم

دوران تحصیل خود را چگونه گذرانده‌اید؟ آیا برخورد دانش‌آموزان و معلمان با شما مناسب بود؟

با وجود اینکه من مشکل مادرزادی فلج مغزی دارم ولی به دلیل رفتار خانواده‌ام هیچ‌گاه احساس نکردم با دیگران تفاوتی دارم. من در مدارس عادی درس خواندم و خیلی از کارهایی که دوست داشتم را انجام می‌دادم. خیلی زود دوست پیدا می‌کردم و در برنامه‌های تابستانی و تفریحی مدرسه مثل اردوها شرکت می‌کردم. تا کلاس پنجم دبستان اصلاً نمی‌دانستم که تفاوتی با بقیه بچه‌ها دارم اگر می‌دیدم که دوستی از من بهتر می‌پرد یا بهتر لیلی می‌کرد فکر می‌کردم که این فرد تیرمین بیشتری نسبت به من دارد. اصلاً فکر نمی‌کردم که شاید به دلایلی نقص و یا مشکل جسمی‌ام از او عقب‌تر هستم. من هیچ‌وقت با همکلاسی‌هایم در مدرسه مشکل نداشتم. مشکل من با بزرگترها بود. یادم می‌آید که همراه مادرم برای ثبت‌نامه در کلاس پنجم

و روی پای خودم بایستم بود. خود من به دلیل برخوردهای نامناسب عده‌ای از مردم، از کار کردن در فضاهای عمومی وحشت داشتم ولی چون نمی‌خواستم مادرم را نگران کنم، این موضوع را به او نمی‌گفتم. در همان ایام از طریق ارتباط با مرکز فنی و حرفه‌ای استان همدان در کلاس‌های طراحی شبکه نام نویسی کردم و آموزش این رشته را شروع نمودم. بعدها به پیشنهاد یکی از استادانم سعی کردم نرم‌افزار امین اموال را برای آن سازمان طراحی کنم. طراحی این نرم‌افزار را شروع کرده بودم که به دلیل انتقال پدرم به تهران مجبور به رها کردن آن شدم. در تهران تصمیم به ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد گرفتم. در کلاس‌های آمادگی کنکور شرکت کردم با وجود اینکه در آزمون بعضی از دانشگاه‌ها قبول می‌شدم چون دوست داشتم در دانشگاه‌های بهتری ادامه تحصیل دهم و رتبه‌ام کافی نبود، ادامه تحصیل دانشگاهی را رها کردم.

کمی از زندگی خود برایمان بگویید؟

من در استان کرمانشاه متولد شدم ولی به خاطر شغل پدرم در شهرستان‌های مختلف زندگی کرده‌ام و هر دوره از زندگی‌م را به همراه خانواده در شهری گذرانده‌ام. حالا چند سالی است که در تهران زندگی می‌کنیم. بعد از کرمانشاه به تبریز رفتیم و از سال سوم دبیرستان تا پایان دوره کاردانی در این شهر درس خواندم و مدرک‌م را از دانشگاه تبریز دریافت کردم. بعد به سمنان منتقل شدیم و دوره کارشناسی را در دانشگاه دامغان که نزدیک‌ترین شهر به سمنان بود گذراندم. در این دو سال در خوابگاه زندگی می‌کردم. قبل از پایان تحصیلاتم به دلیل انتقال پدرم به شهر همدان، خانواده به این شهر رفتند و من هم پس از پایان تحصیل به آنها ملحق شدم. در همدان به مراکز زیادی برای پیدا کردن کار مراجعه کردم. البته پیگیری من بیشتر به خاطر مادرم که اصرار داشت استقلال مالی پیدا کنم



کاربار چه نقشی برای شما در محیط ایفا میکند؟

در محیط کار گاهی وقتها افرادی که معلولیت دارند کمبود دانش و مهارت خود را به مشکل جسمی خود ربط می‌دهند! من در چنین مواردی مشکلم را با کاریارم در میان می‌گذارم که اگر از چنین حمایت‌هایی برخوردار نبودم، شاید تا به حال کارم را رها کرده‌بودم! کاری که بر عهده من است، بسیار سنگین است و گاهی با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوم، ولی خدا را شکر می‌کنم که با حمایت‌هایی که از من می‌شود کارم را رها نکرده‌ام.

این مشکلاتی که به آن اشاره کردید، آیا به کمبود دانش حرفه‌ای شما مربوط است یا به مسائل روحی و ارتباطی با دیگران در محیط کار؟ حتماً مقداری از این مشکلات به پایین بودن دانش علمی و مهارت‌های من مربوط می‌شود ولی وقتی احساس ناتوانی در انجام صحیح وظایفم می‌کنم، نگرانی از اینکه ممکن است از کار برکنار شوم، بسیار آشفته‌ام می‌کند. البته شاید دیگران هم با چنین نگرانی‌هایی روبه‌رو شوند ولی فردی مانند من که ناتوانی‌هایی دارد، این مساله را برای خودش بزرگ‌تر هم می‌کند. حالا فرض کنید یک روز با این مشکلات و نگرانی‌ها از شرکت خارج می‌شوم و در مسیرم با افراد مختلف و با هزار جور نگاه متفاوت برخورد می‌کنم، کافی است هنگام سوارشدن به تاکسی یک نفر به نحوه سوارشدن من اعتراض کند یا نگاه تحقیرآمیزی به من بکند و یا حتی سرش را تکان دهد، چنین رفتاری باعث می‌شود که من با توجه به مشکلات جسمی که دارم و مشکل کاری که در محیط برایم پیش آمده به این فکر بیافتم که اصلاً بهتر است دست از کار بکشم و در خانه و بنشینم! من این فرد را نمی‌شناسم و نمی‌دانم سطح درک و سوادش در چه حد است ولی یک چنین رفتاری باعث می‌شود که من آسمان و ریسمان را به هم ببافم و از کار کردن ناامید شوم. حالا اگر یک روز حالم خوب باشد هیچ‌یک از این رفتارها در من تأثیر بد نمی‌گذارد ولی وقتی حالم خوب نیست، نیاز دارم با کسی درد دل کنم و از او راهنمایی بگیرم.

افرادی مانند من

که به نوعی با معلولیت یا مشکل جسمی روبه‌رو هستند به دلیل بینشی که از طریق جامعه به آن‌ها القاشده، گاهی در محیط کار احساس تنهایی می‌کنند و نیاز دارند که مورد حمایت قرار گیرند

را در رعد برگزار می‌کردند. در این کلاس‌ها شرکت کردم و بعد از انجام مصاحبه، از اسفندماه سال ۹۱ تا سال ۹۴ در ارتباط با شرکت چارگون قرار گرفتم. از دی‌ماه ۹۴ یک ماه به‌عنوان کارورز در این شرکت فعالیت کردم و بعد از آن هم به‌صورت رسمی وارد چارگون شدم.

رویکرد جدیدی که در مرکز رعد در حال اجرا است، اشتغال حمایت‌شده است. آیا شما از این طریق به شرکت چارگون معرفی شدید و توسط کاربار حمایت می‌شوید؟

بله. من به چارگون معرفی شدم و توسط خانم چهره‌نگار (مشاور رعد) که کاریارم هستند در محیط کار حمایت می‌شوم و البته روابط دوستانه‌ای هم میان ما به‌وجود آمده‌است که برای من خیلی ارزش دارد. افرادی مانند من که به نوعی با معلولیت یا مشکل جسمی روبه‌رو هستند به دلیل بینشی که از طریق جامعه به آن‌ها القا شده‌است، گاهی در محیط کار احساس تنهایی می‌کنند و نیاز دارند که مورد حمایت قرار گیرند. البته در شرکت چارگون افرادی هم هستند که به مشکلاتی که در کار برایم پیش می‌آید، به آنها مراجعه می‌کنم و راهنمای می‌شوم، ولی نوع ارتباطم با کاریار از نوع دیگری است. شرکت چارگون دارای حوزه‌های متفاوتی است درحوزه لجستیک که من در آن هستم چهار نرم‌افزار وجود دارد که شامل؛ نرم‌افزار اموال، انبار، خرید تدارکات و املاک است. نرم‌افزار املاک را من طراحی کردم و خودم هم مسئول آن هستم. این نرم‌افزارها فرزندان ما هستند چون ما آن‌ها را خلق می‌کنیم و توسعه می‌دهیم.

دبستان به مدرسه‌ای مراجعه کردیم وقتی مدیر مدرسه مرا دید به مادرم گفت، دخترت را بردار و برو، من او را در این مدرسه ثبت‌نام نمی‌کنم! در حالی که معدل من در چهار سال اول دبستان همیشه بالای نوزده بود و از شاگردان خوب به‌شمار می‌آمدم. در محیط دانشگاهی مشکلی نداشتم و با اساتید و دانشجویان خیلی راحت بودم. باهم اتاقی‌های خوابگاهی‌ام هم روابط خوبی داشتیم.

به نظر می‌آید که در تهران با مرکز رعد آشنا شدید. این آشنایی چگونه شکل گرفت؟

در تهران در کلاس‌های مراکز فنی و حرفه‌ای نام‌نویسی کردم و از طریق آنها با مرکز رعد آشنا شدم. در ابتدای ورودم به رعد با دیدن این همه افرادی که معلولیت داشتند و مثل خودم بودند جا خوردم و حضور در چنین مکانی برایم دشوار بود. ولی به‌تدریج خودم را وفق دادم و در کلاس‌هایی چون؛ زبان و کورل ثبت‌نام کردم و هم زمان هم به عنوان استاد حل تمرین یا دستیار استاد برای دانشگاه علمی کاربردی رعد درخواست کار فرستادم. بعد از مدتی با من تماس گرفته‌شد و برای مصاحبه دعوت شدم. در این مصاحبه با مهندس محسن توسلی آشنا شدم. ایشان که در حوزه برنامه‌نویسی کامپیوتر تخصص داشت سعی در تغییر نگرش من و تشویقم به سوی اشتغال کرد. بعد از دو ماه و نیم راضی شدم که به دنبال آموزش‌های تکمیلی برنامه‌نویسی بروم. البته در دانشگاه دروس برنامه‌نویسی را گذرانده بودم ولی این آموزش‌ها با آنچه برای بازار کار موردنیاز است متفاوت بود. به‌رحال با راهنمایی ایشان طراحی برنامه نرم‌افزار ماشین حساب را شروع طراحی کردم. با کمک ایشان یک برنامه فرهنگ لغت (دیکشنری) را هم تهیه کردیم. روی چند نرم‌افزار دیگر هم کار کردیم و بعد به این فکر افتادیم که نرم‌افزار مگ فا، که رعد از آن استفاده می‌کرد را در سطح ویندوز برای ارسال پیامک‌های انبوه را طراحی کنیم. یک‌سری تغییراتی در آن ایجاد کردیم و بالاخره بعد از یک سال و نیم، توانستیم برنامه قابل‌قبولی را طراحی کنیم. در طول این مدت با شرکت چارگون و آقای شاهین طبری آشنا شدم. ایشان یک‌سری کلاس با عنوان؛ آینده برتر، رزومه‌نویسی و ...



در چنین مواردی چه راهنمایی‌هایی از طرف کاریار به شما داده می‌شود؟

این که افراد متفاوت با نگاه‌های متفاوتی در کره زمین زندگی می‌کنند و هریک از آنها هم با مشکلاتی در زندگی خود مواجهند. مشکلاتی که شاید به چشم نیایند. فرق تو با آنها این است که مشکل تو دیده می‌شود ولی مشکلات بقیه دیده نمی‌شود. پس نباید برخورد غلط هیچکس با تو بتواند در زندگی‌ت نقش پیدا کند و از روی عصبانیت به تصمیم نادرستی منجر شود. این مشورت‌ها باعث می‌شود که من آرام بشوم و دوباره به کار ادامه بدهم. البته می‌دانم که چنین رفتارهایی بازهم تکرار خواهند شد. ولی دیدگاه‌هایی که از کاریارم یا از رعد گرفته‌ام، به من کمک می‌کند که قوی‌تر باشم و اعتمادبه‌نفس بیشتری داشته باشم.

اگر در کار حرفه‌ای خود دچار مشکل باشید، آیا امکان آموزش دیدن و آموزش تکمیلی در رعد برای شما وجود دارد؟

من کار برنامه‌نویسی را در رعد و با آقای توسلی شروع کردم و اکنون هم اگر در برنامه‌نویسی یا کد نویسی به مشکلی برخورد کنم، از ایشان راهنمایی می‌گیرم. البته شرکت چارگون شرکت بسیار خوبی است و همکاران بسیار خوبی هم دارم و کمتر پیش می‌آید که نیاز داشته باشم از افرادی بیرون شرکت کمک حرفه‌ای بگیرم. فقط گاهی نیاز دارم که از لحاظ روحی تقویت شوم و اعتماد به نفسم بالاتر رود. ولی برای سایر کارآموزان رعد برگزاری کلاس‌های آموزشی و تکمیلی می‌تواند خیلی راهگشا باشد، چون رعد در این زمینه تجارب خوبی دارد.

بعد از گذراندن این مدت آیا با نگرش مهندس توسلی که شما را به کار کردن به جای بیشتر درس خواندن و مدرک گرفتن ترغیب کرد، موافق هستید؟

بله. با توصیه ایشان کاملاً موافقم. خودم هم به همین نتیجه رسیده‌ام و به دیگران هم توصیه می‌کنم. داشتن مدرک، آن‌قدرها که مهارت لازم است، ضروری نیست. اگر افراد مهارت حرفه‌ای داشته باشند خیلی راحت می‌توانند جذب بازار کار شوند. داشتن علم و مدرک یک پیش‌نیاز است ولی برای ورود به کار کافی نیست. من مدرک کارشناسی دارم ولی هیچ‌کس از مدرکم نپرسید؟

در محیط کار بیشتر به دنبال این بودند که ببینند چه کاری بلد هستم، چگونه می‌توانم حل مسئله کنم، چگونه می‌توانم خودم را با نیاز کارفرما و مشتری تطبیق دهم، چگونه کاری که به من محول شده است را انجام می‌دهم، چگونه با همکارانم ارتباط برقرار می‌کنم؟

بیشتر دنبال این بودند که ببینند چه کاری بلد هستم، چگونه می‌توانم حل مسئله کنم، چگونه می‌توانم خودم را با نیاز کارفرما و مشتری تطبیق دهم، چگونه کاری که به من محول شده است را انجام می‌دهم، چگونه با همکارانم ارتباط برقرار می‌کنم؟

ارتباط شما با همکارانتان در محیط کار چگونه است؟

ارتباط ما بسیار خوب و دوستانه است. من کسی بودم که قبلاً در ایجاد ارتباط با افراد دیگر مشکل داشتم ولی پس از شرکت در کلاس‌های هوش هیجانی در رعد این فرصت برایم ایجاد شد که با بچه‌های کلاس ارتباط بگیرم. زمانی در رعد به‌عنوان مربی روبیک کار می‌کردم و همین باعث شد که الان بتوانم با همکارانم ارتباط خوبی برقرار کنم.

آیا ایجاد ارتباط دوستانه با همکاران در محیط کار باعث افزایش اعتماد به نفس شما شده است؟

از زمانی که من سرکار آمده‌ام اعتماد به‌نفس خیلی بالاتری پیدا کرده‌ام. پس از فارغ‌التحصیلی چند ماه از خانه بیرون نمی‌آمدم چون کار پیدا نکرده بودم. بارها به بهزیستی مراجعه کردم که بتوانم از آنجا کاری پیدا کنم ولی می‌دیدم افراد تندرست نشسته‌اند و کاری را که من هم می‌توانم انجام بدهم را انجام می‌دهند، در صورتی که من کار در بهزیستی را حق امثال خودم

می‌دانستم. زمانی می‌گفتم که به خاطر مادرم دنبال کار هستم! چون برخورد‌های تبعیض‌آمیز را می‌دیدم و نمی‌خواستم با این رفتارها مقابله کنم، می‌گفتم کار کردن را دوست ندارم! ولی مگر می‌شود کسی از کار کردن و به دست آوردن استقلال مالی بدش بیاید؟ کار به من استقلال شخصیتی و مالی داد تا جایی که حالا به این فکر می‌کنم که روزی بتوانم خانه‌ای بگیرم، بتوانم رانندگی کنم و با ماشین خودم سرکار بیایم و بروم، مانند بقیه همکارانم.

یکی از آرزوهای دیگرم این است که مردم با نگاه متفاوتی به ما نگاه نکنند. وقتی فردی به من زل می‌زند هرچقدر هم که بی‌تفاوت باشم در آن لحظه حرکات صورتم بیشتر می‌شود. گاهی در همچنین مواردی من هم به این فرد زل می‌زنم و می‌بینم که این فرد هم خودش را گم می‌کند، با اینکه از نظر جسمی تندرست است.

چه توصیه‌ای به دوستان دارای معلولیت خود دارید؟

ما همیشه نشسته‌ایم و منتظریم که معجزه‌ای برایمان رخ بدهد. در صورتی که هیچ‌گاه معجزه خود به‌خود رخ نمی‌دهد. معجزه این است که من از خانه بیرون بیایم، سوار ماشین بشوم، در جایی کارکنم و نرم‌افزاری را خلق کنم، به این معجزه می‌گویند. معجزه در ذهن و فکر من رخ می‌دهد. این فکر من است که مرا بالا می‌کشد. فکر و ذهن من به این نگاه نمی‌کند که چه مشکل جسمی دارم، به این نگاه می‌کند که من چه توانایی‌هایی دارم و برای چه تلاش می‌کنم؟ توصیه من به دوستان این است که روی خودشان کار کنند. ما نمی‌توانیم فکر بقیه را تغییر دهیم ولی می‌توانیم فکر خودمان را تغییر دهیم. وقتی من طرز تفکرم را عوض کردم، به راحتی توانستم با شرایط خودم کنار بیایم و با حضور در جامعه توانستم به استقلال مالی برسم.

و صحبت آخر؟

امیدوارم افراد دارای معلولیت بتوانند به آرزوهایشان برسند و امیدوارم روزی خودم بتوانم به سطحی برسم که کاری که رعد برای من انجام داد را برای دوستان دارای معلولیت خودم انجام دهم.

